

چهل قانون

ملت عشق

www.ketab.ir

ملت
نشریات

- سرشناسه : شفق، الیف، ۱۹۷۱ - م. —————
 -Shafak, Elif, 1971 —————
 عنوان و نام پدیدآور: —————
 چهل قانون ملت عشق / مولف الیف شافاک : مترجم: مهدی مصیبی.
 مشخصات نشر: —————
 تهران: نشر مات، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: —————
 ۲۹۶ ص.
 شابک: —————
 978-622-6594-89-9
 وضعیت فهرست نویسی: —————
 فیپا
 یادداشت: —————
 2010. The forty rules of love
 موضوع: —————
 داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۱.
 موضوع: —————
 American fiction -- 21st century
 شناسه افزوده: —————
 مصیبی، مهدی، ۱۳۶۸ - مترجم
 رده بندی کنگره: —————
 PS۴۶۱۳
 رده بندی دیویی: —————
 ۶/۸۱۳
 شماره کتابشناسی ملی: —————
 ۷۶۵۷۶۸۶



چهل قانون ملت عشق	نام کتاب:
الیف شافاک	مولف:
مهدی مصیبی	مترجم:
تحریریه نشر مات	ویراستار:
آتلیه نشر مات	طراح جلد:
چاپ نقطه	چاپ و صحافی:
اول ۱۴۰۰ / ۳۰۰ نسخه	چاپ / شمارگان:
۹۷۸-۶۲۲-۶۵۹۴-۸۹-۹	شابک:

کلیه حقوق این اثر برای نشر مات محفوظ است.

ارتباط با نشر مات: ۰۲۱ - ۶۶۹۷۳۸۴۹

www.NashreMaat.ir - @NashreMaat

هرگونه کپی‌برداری، برداشت و
 اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر،
 منوط به اجازه کتبی ناشر می‌باشد.

فهرست:

۷	مقدمه
۱۰	الا نورتمیتون ۱۷ می ۲۰۰۸
۲۱	دیباجه
۲۳	قاتل اسکندریه، نوامبر ۱۲۵۲ میلادی
۲۷	قسمت اول: عالم خاک
۲۸	مهمانسرای بیرون سمرقند مارس ۱۲۴۲ میلادی
۳۳	الا نورتمیتون ۱۸ می ۲۰۰۸
۳۶	شمس کزوانسرای خارج از سمرقند، مارس ۱۲۴۲ میلادی
۳۹	الا نورتمیتون ۱۹ می ۲۰۰۸
۴۲	بابا زمان بغداد آوریل ۱۲۴۲ میلادی
۴۸	الا نورتمیتون ۲۰ می ۲۰۰۸
۵۰	شاکرد بغداد آوریل ۱۲۴۲ میلادی
۵۴	الا نورتمیتون ۲۱ می ۲۰۰۸
۵۸	بابا زمان بغداد ۲۶ ژانویه ۱۲۴۲ میلادی
۶۰	نامه از قیصریه به بغداد، فوریه ۱۲۴۲ میلادی
۶۳	شمس بغداد، ۱۸ دسامبر ۱۲۴۳ میلادی
۶۷	الا نورتمیتون ۲۲ می ۲۰۰۸
۷۰	نامه از بغداد به قیصریه ۲۹ سپتامبر ۱۲۴۳ میلادی
۷۳	شاکرد بغداد ۲۹ سپتامبر ۱۲۴۳ میلادی
۷۵	شمس بغداد، سپتامبر ۱۲۴۳ میلادی
۷۷	شاکرد بغداد ۳۰ سپتامبر ۱۲۴۳ میلادی
۸۰	الا نورتمیتون ۲۰ می ۲۰۰۸
۸۳	قسمت دوم: آب
۸۴	مولانا قونیه، ۱۵ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۸۶	شمس قونیه ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۸۹	حسن کدا قونیه ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۹۴	شمس قونیه، ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۹۹	الا نورتمیتون ۲۸ می ۲۰۰۸
۱۰۲	کل صحرا قونیه، ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۰۸	حسن کدا قونیه، ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۱۲	شیخان مست قونیه ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴

۱۱۴	الا نورتمپتون ۳۱ می ۲۰۰۸
۱۱۷	گل صحرا قونیه ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۲۱	سلیمان مست قونیه ۱۷ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۲۶	الا نورتمپتون ۳ ژوئن ۲۰۰۸
۱۲۸	الا نورتمپتون ۵ ژوئن ۲۰۰۸
۱۳۱	قسمت سوم: باد
۱۳۲	متعصب قونیه ۱۹ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۳۵	شمس قونیه ۳۰ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۳۷	مولانا قونیه، ۳۱ اکتبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۴۱	الا نورتمپتون، ۸ ژوئن ۲۰۰۸
۱۴۴	علاءالدین قونیه، ۱۶ دسامبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۴۷	مولانا قونیه، ۱۸ دسامبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۴۹	کرا قونیه ۱۸ دسامبر ۱۲۴۴ میلادی
۱۵۱	کیمیا قونیه، ۲۰ دسامبر ۱۲۴۴
۱۵۵	الا نورتمپتون ۹ ژوئن ۲۰۰۸
۱۵۸	کرا قونیه ۵ می ۱۲۴۵ میلادی
۱۶۱	شمس قونیه ۱۲ ژوئن ۱۲۴۵ میلادی
۱۶۴	الا نورتمپتون ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸
۱۶۶	بیرس جنگجو قونیه، ۱۰ ژوئن ۱۲۴۵ میلادی
۱۶۹	الا نورتمپتون ۱۳ ژوئن ۲۰۰۸
۱۷۱	مولانا قونیه، ۲ آگوست ۱۲۴۵ میلادی
۱۷۳	کیمیا قونیه، ۱۷ آگوست ۱۲۴۵ میلادی
۱۷۷	سلطان ولد قونیه، ۴ سپتامبر ۱۲۴۵ میلادی
۱۸۱	کرا قونیه، ۲۲ اکتبر ۱۲۴۵ میلادی
۱۸۳	مولانا قونیه، دسامبر ۱۲۴۵ میلادی
۱۸۶	سلطان ولد قونیه، دسامبر ۱۲۴۵ میلادی
۱۸۹	الا نورتمپتون، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۸
۱۹۲	گل صحرا قونیه، ژانویه ۱۲۴۶ میلادی
۱۹۶	کیمیا قونیه، ژانویه ۱۲۴۶ میلادی
۱۹۹	شمس قونیه، ژانویه ۱۲۴۶ میلادی
۲۰۱	الا نورتمپتون، ۱۷ ژوئن ۲۰۰۸
۲۰۳	گل صحرا قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۰۵	الا نورتمپتون ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸
۲۰۷	شمس قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی

۲۰۹	قسمت چهارم: آتش
۲۱۰	سلیمان مست قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۱۳	علاءالدین قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۱۵	شمس قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۱۷	آلا نورتمستون، ۲۴ ژوئن ۲۰۰۸
۲۲۰	شعشع قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۲۲	حسام طلبه قونیه، فوریه ۱۲۴۶ میلادی
۲۲۸	بیرس جنگجو قونیه، می ۱۲۴۶ میلادی
۲۳۰	آلا نورتمستون، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۸
۲۳۲	کر قونیه، می ۱۲۴۶ میلادی
۲۳۵	سلطان ولد قونیه، ژوئن ۱۲۴۶ میلادی
۲۳۷	سلیمان مست قونیه، ژوئن ۱۲۴۶ میلادی
۲۳۹	علاءالدین قونیه، ژوئن ۱۲۴۶ میلادی
۲۴۲	شمس قونیه، ژوئن ۱۲۴۶ میلادی
۲۴۴	آلا نورتمستون، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۸
۲۴۷	قسمت پنجم: خلاء
۲۴۸	سلطان ولد قونیه، ژوئیه ۱۲۴۶ میلادی
۲۵۰	مولانا قونیه، اوت ۱۲۴۹ میلادی
۲۵۳	شمس دمشق، آوریل ۱۲۴۷ میلادی
۲۵۵	کیمیا قونیه، می ۱۲۴۷ میلادی
۲۵۸	کرا قونیه، می ۱۲۴۷ میلادی
۲۶۰	آلا بوستون، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۸
۲۶۳	شمس قونیه، می ۱۲۴۷ میلادی
۲۶۵	علاءالدین قونیه، می ۱۲۴۷ میلادی
۲۶۷	کیمیا قونیه، دسامبر ۱۲۴۷ میلادی
۲۷۰	گل صحرا قونیه، دسامبر ۱۲۴۷ میلادی
۲۷۲	کیمیا قونیه، دسامبر ۱۲۴۷ میلادی
۲۷۴	آلا بوستون، ۳ ژوئیه ۲۰۰۸
۲۷۹	سلیمان مست قونیه، مارس ۱۲۴۸ میلادی
۲۸۲	قائل قونیه، مارس ۱۲۴۸ میلادی
۲۸۶	آلا نورتمستون، ۱۲ اوت ۲۰۰۸
۲۸۷	علاءالدین قونیه، آوریل ۱۲۴۸ میلادی
۲۸۹	سلطان ولد قونیه، سپتامبر ۱۲۴۸ میلادی

مقدمه

وقتی قطعه سنگی را بین انگشتان دست خود می‌گیرید و آن را به سمت رودخانه در حال حرکتی می‌اندازید ممکن است اثر آن را فقط يك لحظه ببینید در ابتدا حلقه کوچکی ایجاد می‌شود جایی که قطعه سنگ سطح آب را می‌شکند و صدای شلپ و گرفته آب یا فشار رودخانه در حال جریان در فضا شنیده می‌شود. همین، اما اگر همین سنگ را به سمت دریاچه‌ای آرامی پرتاب کنید اثرش بسیار ماندنی‌تر از يك لحظه است سنگ آرامش آب را بر هم می‌زند در نقطه‌ای که سنگ به آب برخورد می‌کند ابتدا يك دایره و سپس در کسری از ثانیه چندین دایره دور آن را فرا می‌گیرد. بزودی موج‌های ملایمی در سطح آینه‌ای آب زاده خواهد شد تا جایی که به ساحل برسند و متوقف شوند.

وقتی سنگ به دامن رودخانه در حال جریان می‌افتد رودخانه آن سنگ را هیاهوی دیگری در بستر پرهیاهوی خود می‌داند، موضوعی عادی و قابل کنترل به همین سادگی. اما اگر همین سنگ به يك دریاچه آرام برخورد کند. دریاچه همان دریاچه قبل نخواهد بود. به مدت چهل سال زندگی الاینشتاین^۱ همچون دریاچه‌ای آرام بود يك سری عادت‌ها، نیازها و کارهای قابل پیش‌بینی اگر چه از بسیاری جهات یکنواخت و معمولی بود اما برای او کسالت آور نبود در طی بیست سال گذشته، هر آرزویی که داشت هر شخصی که با وی دوست شده بود و هر تصمیمی که گرفته بود از کمال ازدواجش عبور کرده بود.

همسرش دیوید دندانپزشک موفقی بود که دوآمدلایی داشت. الا همیشه می‌دانست که رابطه‌ی بین شان گرم و عمیق نیست اما فکر می‌کرد که رابطه عاشقانه جزء اولویت‌های زندگی همه زوج‌ها نیست. خصوصاً برای مرد و زنی که مدت‌های طولانی ازدواج کرده و در کنار هم زندگی می‌کنند. از نظر او چیزهای مهمتری از عشق در این رابطه وجود داشت مثل سازگاری، محبت، دلسوزی و مهم‌تر از همه غنو و بخشش که عملی الهی است. اما برای هر يك از آن‌ها عشق در مرحله دوم قرار داشت الا همیشه فکر می‌کرد که عشق در زمان‌ها یا فیلم‌های رمانتیک وجود دارد جایی که قهرمان داستان همیشه مایورانی بوده و عشق‌شان کوتاه‌تر از يك افسانه نبود.

الا و دیوید صاحب سه فرزند بودند دختری زیبا به نام «ژانت» که در دانشکده مشغول تحصیل بود و دو قلوهای نوجوان به نام‌های «آیوی»^۲ و «اورلی»^۳. آن‌ها همچنین سگی دوازده

1 Ella Rubinstein

2 Jeannette

3 Avi

4 Orly

ساله و بور به نام «اسپیریت»^۱ داشتند از زمانی که يك توله كوچك و بازیگوش بود در کنار آنها و همراه پیاده روی های صبحگاهی الا بود. اما اکنون اسپیریت پیر، بیش حد از سنگین و كاملاً كرو تقریباً نابینا شده. عمر او روزه پایان بود اما الا ترجیح می داد این طور فكر كند که او برای همیشه خواهد ماند. الا نمی خواست چیزی تغییر كند. او هرگز با پایان چیزی مواجه نشده بود پایان يك عادت، پایان يك مرحله یا پایان يك زندگی مشترك. خانواده راینشتاین در نورتمپتون در ایالت ماساچوست در خانه ای بزرگ مربوط به دوره ی ویکتوریا زندگی می کردند گرچه ساختمان نیاز به تعمیراتی جزئی داشت اما هنوز باشکوه دیده می شد. خانه ای با پنج اتاق خواب، سه حمام، کف پوشی از چوب جنگلی براق، يك پارکینگ برای سه اتومبیل، درهای فرانسوی و بهتر از همه يك جکوزی سرباز، آنها بیمه زندگی، بیمه اتومبیل، برنامه های دوره بازنشستگی، برنامه های پس انداز مالی برای ادامه تحصیل در دانشگاه و چندین حساب بانکی داشتند. علاوه بر خانه ای که در آن زندگی می کردند، دارای دو آپارتمان دیگر هم بودند یکی در بوستون^۲ و دیگری در جزیره رود^۳. همه ی اینها را با تلاش و کوشش خود به دست آورده بودند تا در رفاه باشند. يك خانه ی بزرگ و شيك انباشته از وسایل ها و مبلمان مجلل با بوی خوب كيك های خانگی در کنار سه فرزند زیبا شاید برای بعضی ها کلیشه ای و یا تکراری باشد اما برای خود آنها تصویری از يك زندگی ایده آل بود آنها ازدواج خود را حول این محور ساخته بودند و حداقل تلاش خود را کرده بودند تا آن جا که بتوانند به قسمت اعظم رویاهایشان دست پیدا کنند.

در آخرین ولنتاین همسرش دیوید به او يك گردن آویز قلبی شكل که از جنس الماس بود به همراه يك کارت پستال که روی آن جمله زیر را نوشته بود هدیه داد.

تقدیم به الای عزیزم

بانویی آرام که قلبی بخشنده دارد و همچون کوه صبور است. از تو متشکرم که مرا به خاطر خودم و همین طور که هستم پذیرفتی.

همسرت دیوید

الا هیچ وقت به دیوید نگفت اما پس از خواندن کارت پستال احساس کرد که يك آگهی ترحیم را خوانده است. با خود گفت احتمالاً این همان جملاتی است که اگر فردم در مورد من خواهند گفت و اگر کمی هم صادق تر باشند شاید این جملات را هم اضافه کنند:

زندگی اش را در کنار همسر و فرزندان سرساخت و هیچ کمبود مادی نداشت و هرگز نخواهد دل به دریا بزند حتی تغییر دادن مارك قهوه ای که هر روز می نوشید برایش تغییری

^۱ Spirit

^۲ Boston

اما هیچ کس حتی خودِ اِلا هم نفهمید که بعد از بیست سال که از این زندگی مشترک مظلوم می‌گذشت چرا در پاییز ۲۰۰۸ اقدام به طلاق کرد. فقط یک دلیل می‌توانست داشته باشد: عشق.

اگر چه آنها با هم زندگی می‌کردند اما به لحاظ عاطفی مایل‌ها از هم دور بودند مثل شب و روز. حضور یکدیگر را نمی‌توانستند تحمل کنند پس عشق کجای این رابطه می‌توانست باشد. اما آن چه را که اِلا فکرش را نمی‌کرد اتفاق افتاد، آیا در برابر عشق می‌توان ایستادگی کرد؟ هرگز، عشق همچون سنگی به دریاچه‌ی آرام زندگی اِلا افتاد و آن را متلاطم کرد.